

(فصل پنجم)

به زندگی با دید الهی نگاه کردن

زندگی شما چیست؟ (یعقوب ۴: ۴ب)

ما هر چیز را نه چنانکه هستند می بینیم، بلکه چنانکه ما هستیم آنها را نیز به همان صورت می بینیم. (آنائیس نین)

زندگی شما به همانگونه که به آن می نگری شکل می گیرد. اینک زندگی را چگونه تعریف می کنی تعیین کننده سرنوشت شما است. دیدگاه شما از زندگی بر اینک چگونه برای وقتتان سرمایه گذاری کنید یا پولتان را خرج کنید یا استعدادهایتان را بکار ببرید، و یا بر ارزش روابطتان تاثیر می گذارد.

یکی از بهترین روشهای شناخت مردم این است که از آنها بپرسیم: "**زندگیتان را چگونه می بینید؟**" وقتی مردم به این سؤال پاسخ دهند، متوجه خواهید شد که به اندازه تنوع افراد، پاسخها نیز متنوع است. برخی به من پاسخ داده اند که زندگی یک سیرک است، میدان مین گذاری شده است، ترن هوایی در شهر بازی است، معما است، یک سمفونی است، سفری است، و یک رقص است. بعضی نیز گفته اند: "زندگی چرخ و فلک است: بعضی اوقات بالا و گاهی نیز پائین هستی و گاهی اوقات نیز فقط دور خود می چرخي." یا "زندگی دوچرخه ای با ده نوع سرعت است که هیچ وقت از دنده هایش استفاده نمی کنیم." یا "زندگی بازی کارت است. باید آنچه را که دیگری بازی کرده پاسخ دهی."

اگر از شما سوال می کردم که زندگی را چگونه می بینی، چه تصویری جلوی چشمت می آمد؟ آن تصویر، **سمبل** زندگی شما است. این دیدی است که شما آگاهانه یا نا آگاهانه از زندگیتان دارید. این توضیح شما است از اینک زندگی چگونه است و شما چه توقعی از آن دارید. مردم اغلب سمبل زندگی خود را با لباسها، جواهرات، اتوموبیلها، مدلهای مو، یا حتی تاتوها یا خالکوبی ها بیان می کنند.

سمبل ناگفته زندگی شما، بیشتر از آنچه که شما فکر می کنید، بر زندگیتان تاثیر می گذارد. این سمبل، مشخص کننده توقعات، ارزشها، روابط، هدفها، و الویتهای شما است. برای مثال اگر شما فکر می کنید که زندگی یک میهمانی است، ارزش اولیه زندگی شما را **خوش گذرانی** تشکیل خواهد داد. اگر زندگی را همچون مسابقه ای ببانگارید، آنگاه **سرعت** را ارزش خواهید داد و بیشتر اوقات در حال عجله کردن خواهید بود. اگر زندگی را همچون مسابقه دو بنگرید، بر **استقامت** ارزش خواهید گذاشت. اگر زندگی را مبارزه یا بازی ببینید، **بردن** در این مسابقه برای شما خیلی مهم خواهد بود.

دید شما از زندگی چیست؟ شاید زندگی خود را بر پایه تصویر اشتباهی بنا کرده اید. برای اینک هدفهایی را که خدا شما را برای آن ساخته عملی سازید، می باید به مبارزه با حکمت مرسوم و متداول بپردازید و تصاویر **کتاب مقدس** از زندگی را جایگزین آنها کنید. کتاب مقدس می فرماید: "**و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نوشدن ذهن خود بگروگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص خواست خدا خواهید بود؛ خواست نیکو، پسندیده و کامل او.**" (رومان ۱۲: ۲)

کتاب مقدس سه سمبل یا تصویر به ما معرفی می کند که دیدگاه الهی از زندگی را به ما تعلیم می دهد: زندگی یک **آزمایش**، یک **امانت** و یک **تکلیف موقتی** است. این ایده ها پایه ها و اساس زندگی هدفمند است. در این فصل به دو معنای اولی خواهیم پرداخت و در فصل بعدی به معنای سوم.

زندگی بر زمین یک آزمایش است. این سمبل زندگی، در داستانهای مختلف در کتاب مقدس دیده می شود. خدا دائماً "شخصیت، ایمان، اطاعت، محبت، صداقت و وفاداری مردم را می آزماید. کلماتی مانند **رحمت، وسوسه ها، اصلاح کردن و امتحان کردن** بیش از ۲۰۰ بار در کتاب مقدس بکار رفته است. خدا ابراهیم را با خواستن قربانی کردن اسحق، امتحان کرد. خدا یعقوب را وقتی برای بدست آوردن زنش راحیل، سالهای اضافی کار کرد، آزمایش کرد. آدم و حوا در آزمایش خود در باغ عدن قاصر آمدند و داود در آزمایشهای مختلف از خدا شکست خورد. اما در ضمن کتاب مقدس نمونه های مردمی را نیز بما عرضه می کند که آزمایش بزرگ را با سربلندی بیرون آمدند. افرادی مانند یوسف، روت، استر و دانیال.

شخصیت با آزمایشات، هم توسعه می باید و هم آشکار می شود، و **همه زندگی**، یک آزمایش است. شما **پیوسته** در حال آزمایش شدن هستید. خدا دائماً "نظاره گر عکس العملتان نسبت به مردم، مشکلات، موفقیت، برخورد و درگیری، بیماری، یأس و حتی وضع هوا می باشد! او حتی ساده ترین اعمال شما را، مانند اینک چه وقت در خانه تان را به روی دیگران باز می کنید، یا آشغالی را از زمین بر می دارید، یا اینک آیا با فروشنده یا پیشخدمت مؤدبانه رفتار می کنید، نظاره گر است.

ما همه آزمایشاتی را که خدا از شما خواهد کرد نمی دانیم، ولی بعضی از آنها را از کتاب مقدس می توانیم پیش بینی کنیم. شما با تغییرات بزرگ، وعده های به تعویق افتاده، مشکلات لاینحل، دعاها و جواب داده نشده، انتقادهای

غیرمنصفانه، یا حتی مصیبت‌های نابجا آزمایش خواهید شد. در زندگی شخصی خود متوجه شده ام که خدا ایمان مرا، با مشکلات و امید مرا، با اینکه چگونه با دارائی ام رفتار می‌کنم و محبت مرا نسبت به مردم می‌آزماید. یکی از آزمایشات بسیار مهم این است که وقتی حضور خدا را در زندگی ات نمی‌توانی احساس کنی، چه می‌کنی. گاهی اوقات خدا از قصد خود را کنار می‌کشد و نزدیکی حضور او را احساس نمی‌کنیم. پادشاهی بنام حزقیا این آزمایش را تجربه کرد. کتاب مقدس می‌فرماید: "خدا حزقیا را بحال خود واگذاشت تا ماهیت خود را نشان دهد و معلوم شود چگونه آدمی است." (دوم تواریخ ۳۲: ۳۱) حزقیا از مصاحبت نزدیک با خدا لذت برده بود، اما در یک لحظه بحرانی در زندگی اش خدا او را بحال خود واگذاشت، تا شخصیت او را بیازماید و ضعف او را به او نشان دهد و او را برای مسئولیت بیشتر آماده سازد.

وقتی متوجه می‌شوید که زندگی یک آزمایش است، درک می‌کنید که هیچ چیز بی اهمیت در زندگی شما وجود ندارد. حتی کوچکترین اتفاق برای توسعه شخصیت شما اهمیت دارد. هر روز، روز مهمی به شمار می‌آید و هر ثانیه یک فرصت رشد برای عمق بخشیدن به شخصیت شما و اظهار محبت یا توکل به خدا است. در حالیکه بعضی آزمایشات چشمگیر است، برخی دیگر نیز به نوعی است که متوجه آن نمی‌شوید. اما باید بدانید که همه آنها دارای مفاهیم ابدی است.

خبر خوش این است که خدا می‌خواهد که شما از آزمایشات زندگی با موفقیت عبور کنید، پس هیچگاه اجازه نمی‌دهد که آزمایشات شما فراتر از فیضی که او به شما می‌بخشد تا با آن روبرو شوید، باشد. کتاب مقدس می‌فرماید: "هیچ آزمایشی بر شما نمی‌آید که مناسب بشر نباشد. و خدا امین است؛ او اجازه نمی‌دهد بیش از توان خود آزموده شوید، بلکه به وقت آزمایش، راه‌گریزی نیز فراهم می‌سازد تا تاب تحملش را داشته باشید." (اول قرنتیان ۱۰: ۱۳) هر گاه از آزمایشی با موفقیت عبور می‌کنید، خدا آن را ثبت می‌کند و نقشه می‌کشد تا پاداش آن را در ابدیت به شما بدهد. یعقوب می‌فرماید: "خوشا به حال آن که در آزمایشها استقامت نشان می‌دهد، زیرا چون از بومه آزمایش سربلند بیرون آید، تاج حیاتی را خواهد یافت که خدا به دوستداران خویش وعده فرموده است." (یعقوب ۱: ۲۰)

زندگی بر زمین یک امانت است. این دومین سبیل کتابمقدسی برای زندگی است. وقت مابر زمین و انرژری، هوش و ذکاوت، فرصتها، روابط، و منابع ما همه هدایایی از خدا می‌باشند که خدا به ما اعتماد کرده تا از آنها مراقبت و سرپرستی کنیم. ما ناظر همه آن چیزهایی هستیم که خدا به ما می‌دهد. این مفهوم نظارت، زمانی آغاز می‌شود که ما مالکیت خدا را بر هر چیز و هر کس بر زمین می‌پذیریم. کتاب مقدس می‌فرماید: "زمین و هر آنچه در آنست، از آن خداوند می‌باشد." (مزمور ۲۴: ۱)

ما واقعا" هرگز در زمان کوتاه اقامتمان بر زمین بر چیزی مالکیت نداریم. خدا در واقع زمین را، تا زمانیکه ما اینجا هستیم، به ما به امانت سپرده است. قبل از آنکه شما وارد آن شوید، خدا مالک آن بود و پس از مرگ شما به کس دیگری به امانت خواهد سپرد. شما فقط برای مدتی از آن لذت می‌برید.

وقتی خدا آدم و حوا را آفرید، او مواظبت از آفرینش خود را به آنها سپرد و آنها را بعنوان معتمدین ملک خود انتخاب کرد. کتاب مقدس می‌فرماید: "(خدا) ایشان را برکت داده، فرمود: "بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید، بر آن تسلط یابید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیوانات فرمانروایی کنید." (پیدایش ۱: ۲۸)

اولین شغلی که خدا به انسانها داد این بود که سرپرستی و مراقبت از "وسائل" خدا را بر زمین به عهده بگیرند. این نقش انسان هیچگاه لغو نشده. این بخشی از هدف امروزی ما است. با همه آن چیزهایی که از آنها لذت می‌بریم، باید طوری رفتار کنیم که خدا به ما اعتماد کرده و به دستهای ما سپرده است. کتاب مقدس می‌فرماید: "چه داری که به تو بخشیده نشده باشد؟ و اگر به تو بخشیده شده است، پس چرا چنان فخر می‌کنی که گویی چنین نیست؟" (اول قرنتیان ۴: ۷)

سالها پیش، زوجی بودند که خانه ساحلی خود را در هاوایی برای گذراندن تعطیلات، به ما دادند تا از آن استفاده کنیم. این تجربه ای بود که ما هیچگاه نمی‌توانستیم به آن نائل شویم و ما بی اندازه از آن لذت بردیم. به ما اینطور گفته شد که: "از آن طوری استفاده کنید که مال شما است." ما نیز همانطور رفتار کردیم. ما در استخر شنا کردیم، غذای موجود در یخچال را خوردیم، حوله های حمام و ظرفها را استفاده کردیم و حتی برای تفریح در تختخواب جست و خیز کردیم! ولی با وجود این همه، ما می‌دانستیم که اینها به ما واقعا" متعلق نیست، پس توجه خاصی به هر چیز داشتیم. ما از فوائد استفاده از خانه لذت بردیم، بدون آنکه صاحب آن باشیم.

فرهنگ ما می‌گوید: "اگر صاحب چیزی نباشی، از آن مراقبت نخواهی کرد." اما مسیحیان با استاندارد بالاتری زندگی می‌کنند: "چون خدا صاحب آن است، من می‌باید بهترین مراقبتی که در توانم هست، از آن بکنم." کتابمقدس می‌فرماید: "انتظاری که از کارگزار می‌رود این است که امین باشد." (اول قرنتیان ۴: ۲) عیسی مسیح اغلب به زندگی بعنوان چیزی که به امانت سپرده شده اشاره کرد و داستانهای زیادی برای به تصویر کشیدن این مسئولیت در قبال خدا بیان کرد. در داستان قنطارها، یک تاجر، ثروت خود را در حالیکه به جای دوری می‌رفت به غلامانش به امانت سپرد و وقتی از سفر بر می‌گردد، مسئولیت هر غلام را ارزیابی می‌کند و مطابق آن کاری که کرده بودند به آنها پاداش می‌دهد. این ارباب می‌گوید: "آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خوام گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو!" (متی ۲۵: ۲۱-۲۹)

در پایان زندگی شما بر زمین، از آنچه به شما سپرده شده ارزیابی خواهد شد که چگونه با آن عمل کرده ای. این به آن معنا است که هر چه انجام می دهی، حتی وظایف ساده روزانه، اهمیت ابدی دارد. اگر با هر چیز بعنوان یک امانت رفتار کنی، خدا سه پاداش در ابدیت وعده می دهد. اولاً، "تائید الهی به شما داده خواهد شد: او به شما خواهد گفت: "آفرین! ای خادم نیکو!" ثانیاً، "ارتقاء درجه خواهید یافت و مسئولیت بزرگتر در ابدیت به شما داده خواهد شد: "تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت." و بالاخره، از شما با یک جشن قدردانی خواهد شد: "در شادی ارباب خود شریک شو."

بسیاری از مردم نمی دانند که پول یک آزمایش و امانت از طرف خدا است. خدا از اموال استفاده می کند تا به ما یاد بدهد به او توکل کنیم، و برای بسیاری از مردم، پول بزرگترین آزمایش است. خدا نگاه می کند که ما از پولمان چگونه استفاده می کنیم تا از ما آزمایش به عمل آورد که چقدر قابل اطمینان هستیم. کتاب مقدس می فرماید: "پس اگر در به کار بردن مال این دنیای فاسد امین نباشید، کیست که مال حقیقی را به شما بسپارد؟" (لوقا ۱۶: ۱۱)

این حقیقت بسیار مهمی است. خدا می فرماید رابطه مستقیمی بین اینکه چگونه از پولم استفاده می کنم و کیفیت زندگی روحانی ام وجود دارد. اینکه چگونه با پولم رفتار می کنم ("مال این دنیای فاسد") تعیین می کند که خدا چقدر می تواند با برکات روحانی اش به من اعتماد کند ("مال حقیقی"). از شما سوالی دارم: آیا طریقی که از پولتان استفاده می کنید مانع خدا، از انجام دادن کار بیشتر در زندگی تان می شود؟ آیا می شود به شما با ثروت روحانی یا مال حقیقی اعتماد کرد؟

عیسی مسیح فرمود: "هر که به او بیشتر داده شود، از او بیشتر نیز مطالبه خواهد شد؛ و هر که مسئولیتش بیشتر باشد، پاسخگویی اش نیز بیشتر خواهد بود." (لوقا ۱۲: ۴۸ ب)

زندگی یک آزمایش و یک امانت است، و هر چه بیشتر خدا به شما می بخشد، انتظار دارد که شما نیز بیشتر خود را مسئول احساس کنید.

نکته مورد توجه: زندگی یک آزمایش و یک امانت است.

آیه حفظی: "آنکه در امور کوچک امین باشد، در امور بزرگ نیز امین خواهد بود." (لوقا ۱۶: ۱۰ الف)

سوالی که باید از خود بکنید: "اخیراً چه چیزی برای من اتفاق افتاده، که اکنون می فهمم آزمایشی از طرف خدا بود؟ بزرگترین موضوعاتی که خدا به من اطمینان کرده و به امانت سپرده چه چیزهایی می باشند؟